

بگویند و با سایر خطوط مقایسه کنید .

مُحَقَّقٌ وَثَلَّثَ - خطاطان محقق را به خطوط وثلث را یاد گرفته اند و هر دو از خط کوفی بیرون آمده اند و سابقه هر دو تا بعد از اسلام میرسد .

بدانجهت محقق گفته اند که با اشکال کجاست و کینه زشت خالص و درشت اندام منبسط در کمال روشنی و استواری نوشته شده با ثبات کامل بجایگاه خود قرار میگیرد و شکلی که باعث برآفتابس و اشتباه باشد در آن نیست . بجز در کاف و لام مفرد که آنهم با کاف صغیر بودی که وسط کاف یکباریم رفع میگرد . در این خط سطح $\frac{4}{3}$ و دور $\frac{1}{3}$ است و بر نمی چسبند و آنکس نیم سلع و یکبار آنست نیم دور گفته اند .

و خط ثلث را بدانجهت ثلث یا ثلثی گفته اند که یک سوم حرکات قطعی آن سلع دو دوسومش دور است

انجلی محقق و ثلث در صفحات ۲۱۲ و ۲۱۳ میگردید . و همچنین میتوانید این مقدار سفردات و ترکیبانی که در محقق در اینجا بیآوردیم با تسلیم ثلث (صفحات ۱۱۴ تا ۱۱۵) مقایسه کنید و بسنجید تا تفاوت های این دو مشخص شود .
الفباء محقق :

ا ا ب ب ج ج د د ه ه و و ز ز ح ح ط ط ق ق ک ک گ گ ل ل م م ن ن ی ی ر ر س س ش ش ص ص

توضیحات : الف محقق را راوندی دو ، جدها سه برنی و صغیر بزرگی ، فواو از خطوط ثلث و ثلثی نطق گفته اند . و مایه ای افقی در این خط بنا بر میزان الف نوشته نطق است که در ضمن خطوط قطعات مقدمان دیده میشود ، ولی چون سطر را دراز و باها وصل میزند نموده و همین کنایات در قرآنها دیده شده که پیش از نطق و گاهی بیخ نطق تقلیل یافته است (مانند باء در اء و دو امین و امثال اینها حتی در کاف منسلح . جدها سه برنی گفته است و اصل دایره نیم باید مشا بر نیمه بر سرخ باشد و قد دایره بعد الفی . سایر حروف بنا بر این نظریات و قطعات خط محقق . بزرگتر از است :

ب ب ج ج د د ه ه و و ز ز ح ح ط ط ق ق ک ک گ گ ل ل م م ن ن ی ی ر ر س س ش ش ص ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترکیبات معنی

وَرَوِ مَسُورٍ - وَادِ الْجُومِ رِيكَدٍ وَمَا
هَدَّكُمْ وَاسْمُوهَا - أَمْرًا سَلَّمَ لِحَطَّةِ حَمِ
بَصْرٍ - حَلَاوٍ - كَهَمْعٍ عَلَى

اللَّهِمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْخِرْصِ وَالْغَضَبِ

وَقِلَّةِ الْقَنَاعَةِ وَمُخَالَفَةِ الْهُدَى اللَّهُمَّ إِنِّي

أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْأَشْرَافِ مِنْ فِقْدَانِ

الْكِفَاةِ مِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْإِكْفَاءِ وَأَعُوذُ بِكَ ^{بِاللَّهِ}

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

مشقه حبيب الله فضالى

صفه‌های از قرآن مطبوعه است. برای نمونه مضمون ↓

اما نظریه‌ها و بیان فرغ مضمون مضمون

آیات نطفی غریب و خرد است

که برای روانی و سبکی بیشتر ابداع شده

و خواستند سبک در مضمون را در

نسخه نویسی و ریزتر بکار برده باشند

لذا نظریه‌ها تمام خصصیات تقوی

با تمام خردت و دراست و به اصطلاح

غرافت و لطافتی که دارد آرا بکار برده

ریحان تشبیه کرده و بیان و بیانی

ناید و اند.

قرآنی بسیار از دورا نهای کوشش

با این نظر دیده شده که هم اکنون در مجرب

و سوز و ناگهان جاری می‌شود.

اندازه الف و خط ریحان بیخ نطفه است

و اینک نمونه‌ای از سوره‌ها و آیات بر کتابت

ریحان را ملاحظه فرمائید :

كَقَوْلِ اللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكَ مَشْهَدًا لِّعَلَّمَا

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَ

كَقَوْلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ لِيَسْتَجِزُوا

بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا حُكْمُ رَبِّكَ لَمَمَّا الْعَذَابُ

وَلِيَأْتِيَهُمُ الرِّجْزُ مِنْ لَدُنْ رَبِّكَ وَيَسْتَجِزُوا

بِالْعَذَابِ وَأَنْ جَهَنَّمَ حَبِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

يَوْمَ يَخْسِفُهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَوْمَ تَحْتِ

الاستدراج يَوْمَ تَحْتِ جَاءَ بِهَا حَقُّكَ السَّلَامُ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ

أُمَّةً لَعَلَّ نَرْتَعِبُ إِنَّا وَالْبَغْيَ فَإِنَّ زَيْلَ الْعَمْرِ وَطَبِيعَ النَّارِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّ الْخَلْقِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

مقایسه محقق باثالث :

۱ چنانکه گشت الف در محقق Δ نقطه و درث صفت نقطه و فسریم در محقق ϵ و درث Δ نقطه است و چنانکه در محقق در میان باثالثین مانند . از ث نیز تویع را استخراج کردند (از تویع خطوط مسلسل و اجازت در تویع و غیره و منیع یقوتی اعلی) وجود آمد .

۱ حروف خالص و یکت محقق نموده شد و شکلانی که حاضر ث است از قبیل (س و ر و م و ص و ن و ح و ط و ع) در محقق دیده نمیشود جز (س) که خلفان آن را در حال کسبه در محقق آورده اند . ولی از محقق درث استعمال کرده اند مانند ب ر و م و ح و لا و ما و در محقق حلقه سیم همه جا باز و در ث باز بسته نوشته میشود ، و در حلقه های (فاد و قاف و مین و فین و واد) مثل میزند و باز میباشد .

۲ حروف و کلمات محقق منبسط و بدون تاخیر و تدریج نوشته میشود . ولی ث تا داخل و فشرده است که بعضی شکلهای پسندیده متعاقب میگردد و اشکال آن بخلاف محقق یکت و منبسط نیست .

۳ نقاط دایره ای محقق بر اندازه یک نقطه بزرگتر از ث است . ولی عمق دایره کمتر است و بعضی نقاط ارسال ث نیز در محقق میباشد . مانند \llcorner .

۴ خطوط کشیده ای در محقق $\frac{3}{4}$ و در ث $\frac{1}{2}$ است .

۵ تحریر قلم در محقق در میان - بنا بر شهور - اندکی بیشتر از ث است . در رساله جنفتری نیز آمده است که قلم محقق در میان باشد تا بزرگتر از قلم ث تراشیده شود و قلم ث تراشیده و قلم ث فرباید تراشیده و قلم زیادت بنا بر بزرگ کتفرباید تا سیاهی با ضیاء خود آید و ثمرات بزرگ افند

۶ چون سلیخ و محقق زیاد و هر دوش در ث انما هم است قلم کبندی حرکت دارد و نویسنده و بنویسد در آن احساس خشکی میکند ولی ث در حرکت قلم صریح و چرب و نرم است . لذا ث بخلاف محقق بخیلی چرب حرکت است که قلم هنگام نوشتن در آنجا احساس قلم میباشد . لامر در استعمال محقق کم و استعمال ث زیاد است . محقق اسبابها در نوشتن قرآنهاهی بزرگ و کتاتهای مهم کجا برسد مانند کتاتها

از آنا در مجرود ایجابی اندوات *

نمونه هائی از مفردات و مرکبات فروع ثلث :

الفبای ترقیع : ا ا است است ح ح ی ی ه ه ن ن
 ص ص ط ط ع ع ه ه و و ف ف ک ک
 ث ث ل ل م م ن ن س س و و ه ه لا
 ی ی ک ک ح

ترکیبات ترقیع قال بعض حکما لا فلا لا الحاکم لا الحاکم لا الحاکم لا
 الباعث لا ولا لا الباعث لا الباعث لا الباعث لا الباعث لا الباعث لا الباعث لا الباعث لا

ترقیع چنانچه شود است تفاوتی جز بیزه و بدون ندارد . و در ترکیبات فزوده ترا و اتصالش بیشتر از ثلث دیده میشود
 خط ترقیع را در قدیم در نوشته های ایرانی و فرانسوی و نار و انوشیروان استعمال میکردند و در شریکها و توضیحات نیز معمول بوده
 تا اینکه بتدریج خط رقاع مابی آنرا گزیده رایجتر گردید . و اکنون ترقیع جز از ادب نقاشی معمول نیست و خط اجازة و رقاع بجای آن
 متداول است . تخریب تمام ترقیع اندکی از ثلث کمتر است .

الفبای رقاع : ا ا است است ح ح ی ی ه ه ن ن
 ص ص ط ط ع ع ه ه و و ف ف ک ک
 ث ث ل ل م م ن ن س س و و ه ه لا لا لای لای
 این الفبای بنا بر معنی صبح الامشی و روانه کلمه و غیره صورت اصلی قدیم آنست . ولی بعد از که بعضی ترقیع هم بکار رفتند
 و ادبی گزیده هم شده است و لذا رقاع متاخران با طرزه دیده میشود و اینک هم با طرزه فیزیدیه (اطال ل ل ن
 لا لا) . لذا جعفر بایسنغری گوید : « حکم رقاع حکم ترقیع است الا آنکه ضمنی تر نویسد و اتصال کلمات

این خط بجای متروک ماند و است گمان که کای تفریحاً بنویسند! از فروع امروز فقط خط رقع و خط اعجازه معمول و متداول میباشد. تذکر: از این فنون معلوم گردید که اشتقاق ثث مانند ثو ثث، با محقق در میان تفاوتی الفبائی در کسب دارند و هر کدام آنها را نیز با دیگری تمیزاتی میباشد.

خط فسخ - این خط تا بعد از اسلام و بلا تردید پیرساند مکن از زمان ابن محمد بعد که بواسطه هندی کردن و این خط بقابلی بهتر درآمده مشهور و معروف و قابل توجه گردید و از آن پس در نوشتن قرآن کاربرد و قلم نسخ بر کوفی کشید و خط نسخ تحت تاثیر محقق در میان ثث و ثقیع بقوام آمده در اصلاح ثث است و از این دو خطی خالص و یکدست نیست. و امروز به دو شیوه نوشته میشود و یکی شیوه باقوتی (عربی)، دیگری شیوه فی ریزی (ایرانی). شیوه اولی که متداول ثث و ثقیع است و آرزای فروع ثث میباشد که از زمان بقوت شخصی تا پیش از فی ریزی در تمام ممالک اسلامی از جمله ایران رایج بوده است. و از این دو است که جعفر باسنفری میگوید:

« لفظ نسخ مصدری است یعنی اسم غائل یعنی نسخ زیرا که چون اکثر کتابت باین خط واقع است تخصیص کتابت کلام الله پس گردید که باقی انواع خطوط را نسخ کرده است و حکم او حکم ثث است.»

هم اکنون این شیوه باقوتی در سایر ممالک اسلامی معمول است ولی شیوه دوم که شیوه فی ریزی است و چاشنی از سنبلت دارد فقط در ایران متداول است. این شیوه را میرزا احمد خان نیریزی تسلیم نموده است (اوایل قرن دوازدهم هجری)

طوال الف و فرشته ای مشابه در خط نسخ پنج نقطه است. (بعضی چهار نقطه هم گفته اند) که اندازه حروف بجز از این یکبار است بیاید. - تمیزات نسخ با خطوط قبل بنیتر است:

۱- الف و محقق راست بلا و در ثث متوال و در هر دو با طره است، ولی در نسخ با استقامت محقق و تمایل بسبب خفیت آینه نشسته و بدون طره است.

۲- لام هم مانند الف طره ندارد مگر لامی که بعد از آن جیم و حاد و غاء، یا میم و حاد باشد مثل الحاء، لها، و شل

وال و ذال نسخ با محقق و ثث متفاوت و بدون طره است (ذ) لام الف در این خط به دو صورت میباشد:

(۱) دست لادوی که همان یه دست نیز از هر بنیتر است (عاطلی) + (لا) +
 (۲) متوال بر در کشت است محقق از این خود خط رقع گرفته شده است.

ذاتی لا محقق لا ۴ و لام الف مرکب و آخر کلمه کبزه رقع است ۵

۳- در شیوه یا قرتی اتصال «دال» «دال» و «دال» را به «هـ» و «دال» را به «و» جایز دانسته اند مانند قوع ،
هذ ، مع ، لدو ، و اینکه ترکیبات از تاثیر ثبوت رقع است .

۴- تداوت در نسخ با ذات محقق و ثبوت ، تفاوتی بجز برابری و در شقی ندارد ، بجز از این لحاظ که گاه صرفت و فروع آنست :
کسین در نسخ نیست .

۵- در شیوه فی بزی (ایرانی) علقه های و امضو ، فاد ، وقاف اول کلمه بسته و پراست ، و در وسط و آخر با زیست
در هر سه علقه نیم «دال» کلمه — و در حال مفرد و وسط کلمه با زیست بسته هر دو نوشته میشود . (و ، عد ، یوسف ، صعا)
(عاصمی محمد مر ، هـ م محمد) . همچنین مین و مین وسط و آخر کلمه ثبوت مانند خط رقع بسته
(معده مع)

۶- قلم شیوه یا قرتی چون ثبوت حرکت است و قلم شیوه فی بزی بیسان متعلق و یا بتراخیم کتر میباشد . در سال
جعفر آمد ذات که «قلم نسخ تابع قلم ثبوت است الا آنکه سر او کپور نایب زیرا که کلاهکی ثمرات در این خط منوب نیست ۴
سرعت حرکت قلم در نسخ نه بگندی محقق و نه برندی رقع است و مانند جهات و کج آن از نظم و زیبایی منظر سجد آمده است
و خط نسخ در روشنی و وضوح چون محقق میباشد .

۷- خط نسخ بهیشت از هر خطی استعمال داشته و دارد ، و بحدت قرآن و چاپ گرفته شده است . لکن شیوه انسخی که در طرف
چاپ است اندک تمیزی با نسخ قرآنی دارد که در نتیجه حروف چاپ منظور گردیده است و به نسبت آرا نسخ میانجامند .
و با مقایسه وقت این تمیز و تفاوت معلوم میگردد . و تعلیم نسخ میان از دو طائفه استادان نیست زیرا ما شین چاپ بهر اندازه
که بخواهند در اختیار بگیرند ، روشن نسخ میان با دست کاری مشکلفه یعنی است که لازمی ندارد . تعلیم نسخ قرآنی بشیوه
ایرانی «فی بزی» در فصل چهارم نموده شد بدینجا مراد خواهد بود .

و اینک نمونه هائی از دو شیوه خط (فانظر طبعاً لنا الی الآثار) :

دو نوز از خطایری (صغری از قرآن و صغری از دعای صباح)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يَا مَنْ دَلَّ لَنَا الصَّبَاحَ بِظُلْمِ اللَّيْلِ
 وَسَمَّحَ قَطْعَ اللَّيْلِ لَنَا بِمِثْلِهِ
 وَأَقْنَعَ صَنِيعَ الْغَائِبِ لَنَا فِي مَسَائِرِ
 بَرِيحِهِ • وَسَمَّعَ صَوْبَاءَ النَّعْمِ نَوَائِحَهُ

إِذَا جَاءَ خَيْرٌ لِلَّهِ وَالصَّبْحُ • وَرَأَيْتَ النَّاسَ
 يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا • كَسَعَ لِحْيَتَهُ
 رَبُّكَ وَأَيْسَّرْتَ لَهَا كَمَا كَانَ فَوَاقِحًا

مِنْ أُمَّةٍ إِسْمَاعِيلِيَّةٍ إِذْ هِيَ عَمَلُ الْيَمِينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 نَبَتْ بِأَلَى رَبِّكَ • مَا لَمْ يَلْحَقْ بِهَذَا مَالٌ
 وَمَا كَسَبَتْ • كَمَا أَتَى الَّذِينَ يَنْزُلُونَ
 بِجَنَّةِ النَّخْلِ • فَبِحِدْمَاتِهِمْ مِنْ مُسَدِّ

الْبَابِ وَالْمَخَالِصِ يَنْتَقِضُ مِنْ أَسْمَاءِ الْبَنَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 فَالْمَوَاطِنُ كَجَدِّهِ اللَّهُ التَّمَدُّدُ • وَكَانَ
 بَوْلُهُ • وَرَأَيْتَ كُنْزَ الْكُنُوزِ كَجَدِّهِ

نزدکی از شیوه و نقلی
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِأَنَّ شَاءَ مَا كَسَبَتْ نَبَتْ بِأَلَى رَبِّكَ

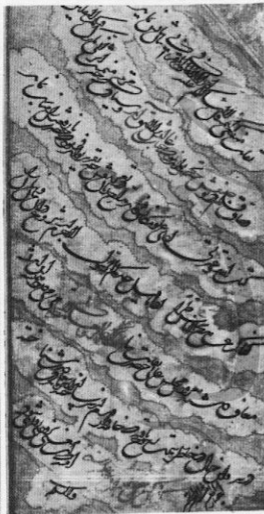
الْحَطُّ يُعْبَى زَمَانًا بَعْدَ كَاتِبِهِ • وَكَاتِبُ الْحَطِّ تَحْتَ أَرْضٍ مَدْفُونٌ

خطایری از خطایری زکریا

قَالَ قَبْلَهُ الْكُتَاتُ يَا قَوْمُ الْمُسْتَبْعِمِ عَلَيْهِ رَمَّةُ الْبَارِدِ الْخَطُّ هُنْدَسَةٌ رُوحَانِيَّةٌ
 ظَهَرَتْ بِالْإِبْجِيمَانِيَّةِ أَنْ جَوَدَتْ فَلَمْ جَوَدَتْ خَطُّكَ وَإِنْ أَمَلَتْ فَلَمْ أَمَلَتْ خَطُّكَ

خطایری از خطایری (صغری)

- ۴ - و او توفیق مانده و او منبع است اذ اگر سر آن بزرگتر و امتزاج بزرگتر است
 ۵ - در مغز، ششگی؛ تدبیر است. با اول کلمه بطریق رتق است (مدلایم موالده ممره همرا)
 در وسط بگو حق زیند (همرا اصم کے خاطر اللہ)
 در آخر چنین است (صالحانہ حصہ، علیہ مانده اول دراهنوسی)



لا - للذکر فالللتکم للذکر
 لله لله لله لله لله
 لله لله لله لله لله
 لله لله لله لله لله
 لله لله لله لله لله

غونہای از خط معتدلیق
 بہت خواجہ اخفیا پیشہ

چند کوازیں نمونہ مشہور است الف و اکثر فرشتہ تا
 بقرہ است و فرزند آئنا از طرف چپ میباشد ، مخالف
 نش توفیق و رتق که از جانب راست است ؛
 اساس شکمهای این خط ، از توفیق و رتق و منبع
 با تغییرات و حرکات دور ، بیان شده است
 و حرکات سلیح در آن بسیار کم و ناچیز است ، و بہ
 حرکات قرش و در است . علامتہ نامی فارہ ، قاف مغز
 و اول آفر ، و میں زمین ، وسط آفر ، و او تبتا آفر
 و ہم در حرکات ، کہ بہر از خطوط معتدلیق و نش توفیق

و اجازه باز بود. و این خط بسته است *

خط تعلیق یکوست و خالص نوشته نشود. حروف و کلماتش فرجه و فراخ درازد و دست و کویک کجند که دیده میشود. اتصالات آن سببانی
خط تزیین و وقوع است که از سرحد حروف مفسد نیز گذشته است و پیداست که تصرفات نشانیه خواسته است خطی در محدوده
تصرف خود سریع و تند و با حرکت و غیر قابل تمیز و تغییر بوجود بیاید. و لذت تحت تأثیرات خطوط و اذنان و دقها. این خط مدت
چند قرن بستخدام در آمده است *

شکلی مشابه در این خط زید است و همین امر موجب سختی و دشواری آن گردیده است. اگر شکلی مشابه آن بر طرف شده
و از بعضی موارد اتصال خودداری شود نوعی از خطوط خوبسیرانی خواهد بود. مشابهات چنینی است :

(راه . وال . باه) لژ (از) لکدر (اند) میدر (میده)

(باد . فن) بسپت شین . لک

(ده . قه) خالعه (خاکرهب) آخوه

(با . ویم) مم (بنت) - و بعضی ترکیبات (شسته) داشته مخصوص
حاجتین (مالیناب) دلاول (دلاول) سالی (سالی)

- تالیف در این خط از چهار نقطه تا هفت نقطه نوشته اند که در قطعات دیده میشود. مبعثر با بسیاری تریزی گوید : هم تعلیق
مانند قلم رحمان بنیه الله انگو زبان او دوازده باید ساخت .

خط دیوانی - سابقه و چگونگی پیدایش خط دیوانی در جدول اول شرح داده ایم. ولی نکته ای که گزارش در اینجا لازم است این است
که خط دیوانی همان خط تعلیق است که عثمانی در آن تصرفات کرده آفران خضر به با سلاطین و امیر دیوانی داشتند
و همین سبب است دیوانی و دیوانی نام خوانده .

نشان ترک دولت عثمانی بخلاف تعلیق ایرانی با برش کی پوشانیده و عمده قدرت آن در خود راجع ساخته و امروز از خطوط سارده مالک عربی شده است
و چنانکه از تاریخ و بخش این دو خط (تعلیق دیوانی) برسیاید و با اینکه تعلیق از چند خط مخلوط درآمیده شده. لطافت و عرفان آن در حرکت
عمومی و نظم و رعایت حروف و کلماتش ظاهر آشکار است ولی در خط دیوانی بدل به شسته و شکلی گردیده که لطافت و دو قسمی سیم آنرا
نمی پسندد و آنچه آنرا در روایف خطوطی که قبلاً ذکر کرده ایم .

لال ب زح و زب ز پس من ط بع و و ک

مع کات و ه و آ ک و و ی | م بر بر بو کلا ل ک دو

مترک و بیست و مردون اشعار

باش و دره و مترک و ما بعد از مردون اشعار

میں نہ ہر ہر حج یہ اس اس س س س

ص ص ص ط ط ط ج ج ج ج ج ج ج ک ک ک ک

ک ک س ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک

ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک

ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک

و و و و و و و و و و و و و و و و و و و

نقد و سنجش ادبی و فکری

لا اله الا الله محمد رسول الله

و ما من الا الله ولا اله الا الله محمد رسول الله



و ما من الا الله ولا اله الا الله محمد رسول الله

تأه صنفه عابسا نه ساه ماطلان رننله اوله براسه تا نا تا تانكول اوله



نقد و سنجش ادبی و فکری در خط تعلیق و در ادبیات و نیز است :

۱- بخلاف تعلیق در خط دیوانی آثار و نشان‌های اصلی از پشت و توابع در قاع و منفرجه دیده نمیشود، و لذا دیوانی با کوچک از خط و اسلحه
متفاوت می‌باشد بنیر تعلیق .

- ۱- قرار حرف و کلمات در طرایبی دیوانی با تمایل تنه از ناحیه رأس طرف راست و در تعلق تمایل خفیف لایم دیده می شود .
- ۲- در بعضی حرف و کلمات تعلیق با نیش قلم کار شده . در دیوانی با تمام دم قلم . و حرکات نازکی که در آن پدید آید و بواسطه تحریف شده قلم است .

۳- مآت کوششهای تعلیق ظریف و متعادل ولی مآت دیوانی نشن و نامتدل و درازتر و کوه تراست (بسیار)
 ۴- جانی را که خط تعلیق اشغال میکند کمتر در دیوانی است

۵- بر شکما و حرکات خط دیوانی از حسی بهشتا شیر و با شباهتی با تعلیق دارد بنظر از این اشکال :
 (الف) (ب) (ج) (د) (ه) (و) (ز) (ح) (ط) (ی)
 (ن) (س) (کاف) (م) (ن)

لال - (۱) - (۲) - (۳) - (۴) - (۵) - (۶) - (۷) - (۸) - (۹) - (۱۰) - (۱۱) - (۱۲) - (۱۳) - (۱۴) - (۱۵) - (۱۶) - (۱۷) - (۱۸) - (۱۹) - (۲۰) - (۲۱) - (۲۲) - (۲۳) - (۲۴) - (۲۵) - (۲۶) - (۲۷) - (۲۸) - (۲۹) - (۳۰) - (۳۱) - (۳۲) - (۳۳) - (۳۴) - (۳۵) - (۳۶) - (۳۷) - (۳۸) - (۳۹) - (۴۰) - (۴۱) - (۴۲) - (۴۳) - (۴۴) - (۴۵) - (۴۶) - (۴۷) - (۴۸) - (۴۹) - (۵۰) - (۵۱) - (۵۲) - (۵۳) - (۵۴) - (۵۵) - (۵۶) - (۵۷) - (۵۸) - (۵۹) - (۶۰) - (۶۱) - (۶۲) - (۶۳) - (۶۴) - (۶۵) - (۶۶) - (۶۷) - (۶۸) - (۶۹) - (۷۰) - (۷۱) - (۷۲) - (۷۳) - (۷۴) - (۷۵) - (۷۶) - (۷۷) - (۷۸) - (۷۹) - (۸۰) - (۸۱) - (۸۲) - (۸۳) - (۸۴) - (۸۵) - (۸۶) - (۸۷) - (۸۸) - (۸۹) - (۹۰) - (۹۱) - (۹۲) - (۹۳) - (۹۴) - (۹۵) - (۹۶) - (۹۷) - (۹۸) - (۹۹) - (۱۰۰)

در این شکما هم نامه های اضافه کرده اند که در دست نیست .

س - ص - ف - ق - ه

- ۶- در ترکیبات هم تفاوتها و اختلافات دیده می شود و تعدادی از آنها را در نمونه نامی می بینیم .
- ۸- در دیوانی ضمن دو نقطه و سه نقطه بهم چسبیده و باید دانست (=)

نمونه ای از خط دیوانی علی

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

مجلسی و نایب علی مرتضی
 میرزا سید علی یوسفی
 تبریز

از دست خط محمد باقر
 صاحب کتب معتبره
 تعلیقا

خط رُقعَه - رُقعَه یعنی نامه و پارهای از هر چیزی است . غنخی است آمیزه و مخلوط که در همین و کما و گنجه گان ، تحت تأثیر
خط شیخ دیوانی آنرا بوجود آورده . در دیار عثمانی رواج دادند و از آنجا بسیار ممالک اسلامی بدان گوید . و امروز این خط در ممالک
عربی در نوشته های فوری و یادداشتها و نامه ها بکار می رود . در سبک خط شکسته است که در کشور ایران متداول میباشد .

اگر از بعضی حروف نامصولی که چون وصله نامور است صرف نظر شود و از آنجا خط شکسته ای از شیخ بحساب دریم سبب خوب است
و برای تند نویسی شیخ و از باب تنوع عالی از لطف نیست . آن جهت شکل نامناسب این است : (ص) (هـ) (د) (ر)

(س) (ص) (هـ) (م) (ق) (ف) (ن)
(هـ) هـ بقیه حروفش نزدیک به شیخ میباشد با این تفاوتها :

۱- فرجه کو آه اندام و جمع و جواست . ۲- حرکات غنخی آن چوب درم نیست و نسکی در آن محسوس است . ۳- حرکات سلج
در آن بیشتر از دروست . ۴- نقطه هایش مانند دیوانی غنخی است . ۵- زیبایی و ابهت خطوط امیل نیرسد و در هر دو
فرق است

تفاوت مسو و الخط درین باره بگوئید ، خط رُقعَه بشیوه و نامی مختلف دیده میشود و شاید نوشته نوشتن آیات قرآن که کم و گاه در بعض
نیت ... مستندات تاریخی گواهی میدهد که از زمان سلطان محمد فاتح پیدایش یافته است (۸۵۵ - ۸۸۶) و این خط را
نیز آن از حیث اندیش در مدیحه خطوطی چون مثنوی و رباعان و نثر و توفیق و راجع و شیخ و نستعلیق شکسته نسبتی قرار داد چه
این اقدام شایسته رفیع دارند . طریقه کتابت رُقعَه تقریباً بقصد شش روان و بطور طبیعی و مجال خود نگاشته میشود . و قطع و مسجلی
بزرگ داشتهای بعضی حروف مانند دال آخر (عجب) دراء (ر) دواو (و) پدید آید و بدون تزیین است
طول الف در این خط سه نقطه است با همان قلم که بنویسند و رُقعَه را باید به نسبتهای صحیح اصولی و میزبان نقطه و مراعات مشابهت
و مماثلت آن بنویسند ، برهشی که استخوان با هر نوشته اند و گزینانه تر خوب نوشتن رُقعَه در چهار حرف است :

نون ، الف ، باء ، عین مفرد که در کلمه (فایع) جمع است ، یعنی وقتی که کاتب این چهار حرف را بر اصول
و مقیاس صحیح ترانست بنویسد باقی حروف از این چهار استخراج خواهد کرد . و استاد محمود یاز ترک در باره شرح
بکتابت رُقعَه گوید که باید قلم در دست تو مایل بر پشت و نسبت بکف دست و انگشتانی که قلم را گرفتار است مایل بر است

باشد و این توالی قسم در حال حرکت، رسم کلمات برای آنست که بر یک شق و یک حال منظم نگاشته شود.

خط الرفعة

ا ا ت ث ج د ذ ر ز س ص ط ع ف ق ک ل م ن

ا ا د ب ج ر س س ص

ط ع ف ق ک ل م ن

ا ا د ب ج ر س س ص

ا ا د ب ج ر س س ص

حروف آنها، و گردش قسم از کلمات مشق محمد صبری برای خط اعراف

حروف خط بیضی و مائلی رفعة

ا ا د ب ج ر س س ص

حروف التي تكتب من الاعلى الى اسفل

ا ا د ب ج ر س س ص

ومن اليسار لليمين

ا ا د ب ج ر س س ص

حروف التي تكتب من الاعلى الى اسفل التي تكتب من اليمين لليمن

« منقول از رساله الف الف العربي »